

بررسی رابطه بین روان سازه های ناسازگار اولیه با مشکلات زناشویی
در زنان متأهل دارای فرزند

**Examining the relationship between early maladaptive
schemas with marital problems in married women**

رزا شفیعی

کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

دکتر محمدعلی بشارت

استاد گروه روانشناسی دانشگاه تهران

زینب حاجی رسولی ه

کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تهران

سمانه نوایی

دانشجوی کارشناسی، دانشگاه پیام نور

Roza Shafiei

Rosa.sh68@gmail.com

Dr. Mohammad Ali Besharat

Professor of Tehran University

Zeinab Hajirasouliha

Tehran University

Samaneh Navvabi

Payam-e-Noor University

Abstract

Introduction: the successful marriage increases the physical and psychological health. Accordingly, the study of factors related to marital problems and their impact on mental health is important. Thus, the aim of this study is examining the relationship between early maladaptive schemas and marital problems in married women.

Methods: A total of 162 women participated in this study. All participants were asked to complete Young Schema Questionnaire (YSQ) and Golombok-Rust Inventory of Marital State (GRIMS).

Results: results showed that all aspects of early maladaptive schemas had a significant positive correlation with marital problems. People with maladaptive schemas more likely to experience more marital problems.

Discussion: based on the results of present study and because of marital problems had a effect on mental health, it's better to give pre-marriage counseling for prevention of marital problems.

Key words: marital problems, marital satisfaction, early maladaptive schemas, marriage

چکیده

ازدواج موفق موجب افزایش سلامت جسمانی و روانشناختی می شود. بر همین اساس، مطالعه عوامل مرتبط با مشکلات و رضایت زناشویی و ابعاد مختلف آن به جهت تاثیری که بر بهداشت روانی افراد دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین روان سازه های ناسازگار اولیه با مشکلات زناشویی در زنان متأهل بود. روش پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی و نمونه مورد بررسی ۱۶۲ خانم متأهل بودند که با روش تصادفی انتخاب شدند. از شرکت کنندگان خواسته شد پرسشنامه روان سازه های یانگ (YSQ) و پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبک-راست (GRIMS) را تکمیل کنند. برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد بین همه ابعاد روان سازه ناسازگار اولیه و مشکلات زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ هر چه میزان روان سازه ناسازگار بیشتر باشد احتمال مشکلات زناشویی بیشتری تجربه خواهد شد. با توجه به نتایج به دست آمده و از آنجا که مشکلات زناشویی بر کیفیت و میزان بهداشت و سلامت روان افراد تاثیر می گذارد، بهتر است اقدامات روانشناختی لازم جهت بررسی، شناسایی و بهینه سازی روان سازه های اولیه در مشاوره های پیش از ازدواج که موجب پیشگیری از مشکلات زناشویی احتمالی بعدی می شود، انجام گیرد.

واژه های کلیدی: مشکلات زناشویی، رضایت زناشویی، روان سازه های ناسازگار اولیه، ازدواج، تاهل

مقدمه

مشکلات زناشویی^۱ از عوامل اصلی مخاطره آمیز در ایجاد آسیب ها و اختلال های روانشناختی در خانواده و جامعه در نظر گرفته می شوند. هنگامی که کارکردهای نرمال بیولوژیکی، اجتماعی، شناختی و احساسی در خانواده آسیب ببیند، منجر به مشکلات و نارضایتی های زناشویی می شود که ممکن است در هر مرحله ای از زندگی مشترک وجود داشته باشد (شاکریان، نظری، معصومی، ابراهیمی و دانایی، ۲۰۱۴). مشکلات و نارضایتی زناشویی، وضعیتی است که در آن احساس کلی نارضایتی و نبود احساس خوشبختی در زن و شوهر نسبت به ازدواجشان و نسبت به یکدیگر وجود دارد (دریک، هیوستن، کویگلی، تستا و کویباک^۲، ۲۰۱۶). مشکلات زناشویی با مفاهیم مختلفی مانند تعارض، ناسازگاری و نارضایتی زناشویی معرفی می شوند. تعارض، موقعیتی است که در آن افراد وابسته به هم در ارضای نیازهای شخصی با هم تفاوت دارند و یکدیگر را محل دستیابی به اهداف خود می دانند (دونوهو و کلت^۳، ۱۹۹۲) که می تواند حاصل وجود تفاوت های فردی و طبیعی در یک رابطه زوجی و یا مشکل آفرین باشد. ناسازگاری و نارضایتی نیز مفاهیمی هستند که با تعارض رابطه دارند؛ یعنی با افزایش تعارض در ارتباط های زوجی، ناسازگاری و نارضایتی افزایش می یابند (یانگ و لانگ^۴، ۲۰۰۶).

وجود فراز و نشیب های رضایت و سازگاری زناشویی و کاهش آن در خانواده نشان دهنده مشکلاتی در سیستم خانواده است. از این رو، رضایت و نارضایتی به عنوان یکی از ابعاد مهم زندگی زناشویی مورد توجه حامیان سلامت روان قرار گرفته و سعی بر اینست با مفهوم سازی و بررسی عوامل موثر بر مشکلات درون خانواده، از این مشکلات بکاهدند. این رویکردها به طور کلی به مداخله در کارکردها، مهارت ها، باورها

1. Marital problems

2. Derrick, J. L., Houston, R., Quigley, B. M., Testa, M., Kubiak, A., et al.

3. Donoho & Kolt

4. Young, M. E., & Long, L. L.

بررسی رابطه بین روان سازه های ناسازگار اولیه با مشکلات زناشویی در زنان متأهل دارای فرزند

و عوامل زمینه ای در فرد و خانواده دست می زند (سلیمی، نجارپوریان، محمدی و فیروزجائی، ۱۳۹۵).

با توجه به پژوهش های انجام شده در بررسی عوامل موثر بر مشکلات زناشویی، می توان به سبک دلبستگی (وایسمن، مایسلس و شارابانی^۱، ۲۰۰۶) که نشان دهنده نحوه تعامل فرد با افراد نزدیک در طول زندگی است، جنسیت و اضطراب دلبستگی (مک دنیل، دروین و کراونز^۲، ۲۰۱۷)، روان سازه های ناسازگار (اسماعیلی، زاده محمدی و حکیمی، ۲۰۱۶) که نشان دهنده نحوه کلی شناخت و احساس های فرد و تعامل با محیط پیرامون است، سبک های مقابله (ژانگ و هی^۳، ۲۰۱۰)، سبک های فرزندپروری (بشارت، هوشمند، رضازاده و لواسانی، ۱۳۹۴) اشاره کرد.

با توجه به تاثیری که روان سازه ها بر نحوه شناخت، تفکر، تعامل و ارتباطات فرد با محیط پیرامون و افراد نزدیک زندگی دارند، در این پژوهش به بررسی رابطه و نقش آن در ایجاد و تداوم مشکلات زناشویی می پردازیم.

از عوامل شناختی موثر بر مشکلات زناشویی، که عامل اثر گذار بر بسیاری از عوامل دیگر نیز می تواند باشد، می توان به روان سازه های ناسازگار اولیه^۴ اشاره کرد. روان سازه ها دسته ای از تجربه های ناخوشایند اولیه زندگی هستند که وقتی با نیازهای هیجانی اساسی افراد در دوره کودکی تداخل می کنند، تاثیر عمیق و پایداری خواهند داشت. طبق مدل یانگ^۵ (۱۹۹۴)، روان سازه های ناسازگار اولیه مجموعه ای از خاطرات، احساسات بدنی، هیجان و شناخت هایی هستند که بر محور درون مایه های دوران کودکی می چرخند و نقش عمده ای بر تفکر، احساس، رفتار و نحوه برقراری ارتباط با دیگران بازی می کنند و اغلب زیربنای نشانه های اختلالات روانشناختی و مشکلات

¹. Wiseman, H., Mayseless, O., & Sharabany, R.

². McDaniel, B. T., Drouin, M., & Cravens, J. D.

³. Zhang, D. H., & He, L.

⁴. early mal-adaptive schema

⁵. Young, J. E.

شخصیتی هستند (تیم^۱، ۲۰۱۱؛ هاوک و پروونچر^۲، ۲۰۱۲). روان سازه ها ساختارهای پردازش اطلاعات و هدایت کننده رفتار هستند که در دوران کودکی و نوجوانی شکل گرفته اند. روان سازه ها به عنوان نقشه پیش ساخته زندگی هستند و معنای شخصی رویدادها را تعیین می کنند. افراد، بر اساس روان سازه هایی که در مورد ابعاد زندگی شامل ارتباطات و تعامل دارند، رفتار می کنند (شاه و والر^۳، ۲۰۰۰ به نقل از بشارت، کشاورز و لواسانی، ۱۳۹۴).

روان سازه های ناسازگار اولیه را می توان در پنج حوزه قرار داد: حوزه اول- کسانی که روان سازه هایشان در حوزه بریدگی/طرد^۴ قرار دارد، نتوانسته اند دلبستگی ایمن و رضایتبخشی را تجربه کنند و این موضوع تا بزرگسالی ادامه دارد. این افراد در ارتباطات خود با دیگران، انتظار ثبات، امنیت، محبت و تعلق خاطر ندارد و خانواده های آن ها معمولا بی ثبات، بد رفتار، سرد و بی عاطفه، طرد کننده و منزوی هستند؛ حوزه دوم- افرادی که روان سازه هایشان در حوزه خودپیروی و عملکرد مختل^۵ قرار دارد، در جدا کرد خود از نماد والدین و رسیدن به عملکردی مستقل از آن ها دچار مشکل هستند. این افراد در معرض مراقبت بیش از حد بوده اند و یا والدین توجه کمی به آن ها داشته اند؛ حوزه سوم- افرادی که روان سازه هایشان در حوزه محدودیت های مختل^۶ قرار دارد، محدودیت های درونی آن ها در خصوص احترام متقابل و خودمهارگری به اندازه کافی رشد نکرده است. این افراد معمولا لوس، بی مسئولیت و خودشیفته به نظر می رسند و در دوران کودکی از قوانین پیروی نمی کردند و در نتیجه در بزرگسالی، توان مهار تکانه های خود را ندارند و نمی توانند ارضاء نیازهای آنی خود را به خاطر دستیابی به منافع آتی به تاخیر بیندازند؛ حوزه چهارم- افرادی که روان سازه هایشان در حوزه

¹ . Thimm, J. C.

² . Hawke, L. D., & Provencher, M. D.

³ . Shah, R., & Waller, G.

⁴ .disconnection/rejection

⁵ . autonomy and performance

⁶ . impaired limis

بررسی رابطه بین روان سازه های ناسازگار اولیه با مشکلات زناشویی در زنان متأهل دارای فرزند

دیگر جهت‌مندی^۱ قرار دارد، به جای رسیدگی به نیازهای خود، به دنبال ارضای نیازهای دیگران هستند. آن‌ها این کار را برای دستیابی به تایید، تداوم رابطه هیجانی یا اجتناب از انتقام انجام می‌دهند و در روابط اجتماعی، نیاز دیگران را مقدم بر نیازهای خود می‌دانند و اغلب از خشم و تمایلات خود ناآگاه هستند؛ حوزه پنجم - افرادی که روان سازه هایشان در حوزه گوش بزنگی بیش از حد و بازداری^۲ قرار دارد، احساس‌ها و تکانه‌های خودانگیخته را واپس زنی می‌کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند طبق قواعد انعطاف‌ناپذیر خود عمل کنند. دوران کودکی این افراد پر از خشونت و سختگیری بوده و خودمهارگری و فداکاری بیش از حد، بر خودانگیختگی و لذت‌طلبی داشته است. این افراد معمولاً احساس بدبینی، نگرانی و ترس دارند.

در نهایت روان سازه های ناسازگار اولیه را می‌توان قالبی برای پردازش سوگیرانه اطلاعات بیرونی و محرک‌های درونی دانست که در خاطرات، هیجان‌ها، احساس‌های بدنی و شناخت‌های فرد نمود پیدا می‌کنند. این قالب سوگیرانه با توجه به تجربه‌هایی که فرد در کودکی و نوجوانی داشته است، شکل می‌گیرد و در تمام طول زندگی پایدار و باثبات خواهد ماند.

بنابراین هدف این پژوهش بررسی روان سازه های ناسازگار اولیه به عنوان یکی از عوامل اصلی و مهم در مشکلات زناشویی، و بررسی رابطه این دو متغیر است. فرضیه های پژوهش حاضر به این شرح آزمون شدند: فرضیه اول: بین مشکلات زناشویی و حوزه بریدگی/طرد افراد رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ فرضیه دوم: بین مشکلات زناشویی و حوزه خودپیروی و عملکرد مختل رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ فرضیه سوم: بین مشکلات زناشویی و حوزه محدودیت‌های مختل رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ فرضیه چهارم: بین مشکلات زناشویی و حوزه دیگر جهت‌مندی رابطه مثبت معنادار

1. other-directedness

وجود دارد. فرضیه پنجم: بین مشکلات زناشویی و حوزه گوش بزنگی بیش از حد و بازداري رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای نمونه: طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، مادران دارای دختر نوجوان شهرستان آمل بودند. نمونه پژوهش ۱۸۰ نفر بودند که به شیوه تصادفی انتخاب شدند. معیارهای شرکت در پژوهش عبارت بودند از: داشتن دختر نوجوان ۱۳ تا ۱۸ ساله، عدم ابتلا به بیماری روانشناختی، عدم وجود سوء مصرف و وابستگی مواد. پس از کسب رضایت از آزمودنی ها و اطمینان خاطر به آنها در مورد محرمانه بودن اطلاعات شان، پرسشنامه ها بین افراد توزیع شد. ۱۶۲ نفر پرسشنامه ها را تکمیل کردند و برگشت دادند. ۱۸ پرسشنامه ناقص از تحلیل آماری کنار گذاشته شد و نمونه پژوهش به ۱۶۲ نفر کاهش یافت. دامنه سنی شرکت کننده ها ۲۵ تا ۶۵ سال بود.

ابزار سنجش

پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (GRIMS): پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (راست، بنان، کرو و گلوبوک، ۱۹۸۶) یک مقیاس ۲۸ سوالی است. پرسش ها در مقیاس چهار درجه ای لیکرت (کاملاً موافق = ۰ تا کاملاً مخالف = ۳)، مشکلات موجود در روابط زناشویی زوجین را از نمره صفر تا سه در زمینه میزان حساسیت^۱ و توجه زوجین نسبت به نیازهای یکدیگر، تعهد^۲، وفاداری^۳، مشارکت^۴، همدردی^۵، ابراز محبت، اعتماد، صمیمیت^۶ و همدلی زوجین می سنجد. در فرم فارسی

-
1. sensitivity
 2. commitment
 3. loyalty
 4. cooperation
 5. sympathy
 6. intimacy

بررسی رابطه بین روان سازه های ناسازگار اولیه با مشکلات زناشویی در زنان متأهل دارای فرزند

این پرسشنامه نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ $0/92$ برای نمونه ای از زن ها و $0/94$ برای همسران شان محاسبه شد که نشان دهنده همسانی درونی بالای پرسشنامه است (بشارت، 1380). ضرایب همبستگی بین نمره های آزمودنی ها در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی ها $I = 0/77$ ، آزمودنی های زن $I = 0/73$ و آزمودنی های مرد $I = 0/75$ نشانه پایایی بازمآزمایی خوب پرسشنامه است.

مقیاس روان سازه های ناسازگار یانگ^۱ (YSQ): یک پرسشنامه ۹۰ سوالی است که مقیاس پاسخگویی آن، مقیاس ۶ درجه ای لیکرت از کاملاً نادرست=۱ تا کاملاً درست=۶ می باشد. این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی است که ۱۸ روان سازه ناسازگار اولیه در قالب ۵ حوزه را مشخص می کند. اولین پژوهش جامع درباره ویژگی های روان سنجی این پرسشنامه توسط اسمیت و همکاران انجام شده است. این محققان ضرایب آلفایی از $0/83$ (روان سازه خود تحول نیافته/گرفتار) تا $0/96$ (روان سازه نقص/شرم) گزارش دادند و پایایی بازمآزمایی در جمعیت غیربالینی بین $0/50$ تا $0/82$ گزارش شد. آهی، محمدی فر و بشارت (1386) نیز در بررسی ویژگی های روانسنجی فرم فارسی این مقیاس، ضرایب آلفای کرونباخ برای همسانی درونی را از $0/72$ (روان سازه بی اعتمادی) تا $0/90$ (روان سازه های وابستگی و شکست) گزارش کردند. پایایی بازمآزمایی در دو نوبت با فاصله چهار هفته از $0/69$ برای روان سازه های بازداری هیجانی و ایثار تا $0/83$ برای روان سازه های وابستگی و شکست به دست آمد.

یافته ها

از مجموع ۱۶۲ شرکت کننده، دامنه سنی افراد شرکت کننده بین ۲۵ - ۶۵ سال بود. جدول ۱ ویژگی های آماری آزمودنی های مادر را بر حسب نمره مشکلات زناشویی و حوزه های روان سازه های ناسازگار اولیه نشان می دهد.

1. Young Schema Questionnaire

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد نمره های آزمودنی ها بر حسب مشکلات زناشویی و

حوزه های روان سازه های ناسازگار اولیه

متغیر	M	SD
مشکلات زناشویی	۶۲/۱۷	۱۲/۸۳
حوزه بریدگی/طرد	۵۱/۵۵	۱۶/۹۹
حوزه عملکرد مختل	۴۵/۱۵	۱۵/۲۷
حوزه محدودیت مختل	۲۹/۰۶	۷/۷۲
حوزه دیگر جهت‌مندی	۴۶/۷۰	۱۲/۴۷
حوزه گوش بزرگی بیش از حد	۶۰/۰۶	۱۵/۵۲

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول ۲ ارائه شده است. بر اساس داده های این جدول، همه حوزه های روان سازه ناسازگار با مشکلات زناشویی رابطه مثبت معنادار دارد.

جدول ۲- ضرایب همبستگی پیرسون بین نمره های حوزه های روان سازه های ناسازگار و

مشکلات زناشویی در زنان متأهل

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. مشکلات زناشویی	۱					
۲. طرد و بریدگی	**۰/۴۶	۱				
۳. عملکرد و	**۰/۵۱	**۰/۷۸	۱			

بررسی رابطه بین روان سازه های ناسازگار اولیه با مشکلات زناشویی در زنان متأهل دارای فرزند

						خودگردانی مختل
		۱	۰/۵۹**	۰/۵۶**	۰/۵۷**	۴. محدودیت های مختل
	۱	۰/۶۳**	۰/۶۲**	** ۰/۶۳	۰/۵۷**	۵. دیگر جهت مندی
۱	** ۰/۸۰	** ۰/۷۲	۰/۶۸**	** ۰/۷۲	** ۰/۶۳	۶. گوش به زنگی بیش از حد و بازداری

** ضرایب در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار هستند.

بحث

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین روان سازه های ناسازگار اولیه با مشکلات زناشویی در زنان متأهل و دارای فرزند بوده است. نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین هر پنج حیطه ی طرد و بریدگی، عملکرد و خودگردانی مختل، محدودیت های مختل، دیگر جهت مندی و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری از روان سازه های ناسازگار یانگ و مشکلات زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. نتایج این پژوهش با یافته های پژوهش های (اسماعیلی، زاده محمدی و حکیمی، ۲۰۱۶؛ پورعباس، ۲۰۱۶؛ خواجهی نیا، قیاسی، ایزدی و صرامی فروشانی، ۲۰۱۵؛ نوایی و محمدی آریا، ۲۰۱۶) مطابقت دارند .

در تبیین این یافته ها می توان گفت روان سازه های ناسازگار موجب سوگیری در تفسیر رویدادها می شوند که موجب کژ فهمی، نگرش های تحریف شده، هدف ها و انتظارات نامعقول می شود. نیازهای اولیه مانند امنیت، احساس آرامش، ثبات، همدلی و پذیرش در افراد دارای روان سازه های حوزه بریدگی و طرد، به درستی شکل نگرفته است (رافائل و یانگ، ۲۰۱۱). افرادی که روان سازه هایشان در این حوزه قرار دارد، نمی توانند دلبستگی های ایمن و رضایت بخشی با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند که نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد افرادی که روان سازه بی اعتمادی/ بد رفتاری دارند، اعتقاد دارند که دیگران با کوچکترین فرصت از آن ها سوءاستفاده می کنند، افرادی که دارای روان سازه رهشادگی/ بی ثباتی هستند، اعتقاد دارند روابطشان با افراد مهم زندگی ثباتی ندارد. آنها احساس می کنند افراد مهم روابط مهم زندگیشان در کنارشان نمی مانند، زیرا از نظر هیجانی غیر قابل پیش بینی اند، این ویژگی موجب می شود افراد یکدیگر را مخل دستیابی به اهداف خود بدانند، در نوع نیازها و روش ارضای آن، خود محوری، اختلاف درخواست ها، طرحواره های رفتاری و رفتار غیر مسئولانه نشان دهند و موجب اجتناب از ارتباط با دیگران می شود (بودوخا، پزایگادزکی لیونت و هاوتکیتی^۱، ۲۰۱۶). این ویژگی ها نشان دهنده تعارض مخرب در ارتباط های زناشویی است، بنابراین روان سازه بی اعتمادی که در حوزه بریدگی و طرد قرار دارد، با مشکلات زناشویی رابطه مثبت معنادار دارد.

به علاوه، افرادی که روان سازه هایشان در حوزه خودمختاری و عملکرد مختل قرار دارد، از خودشان و محیط اطرافشان، انتظاراتی دارند که در توانایی آنها برای تفکیک خود از نماد والدین و دستیابی به عملکرد مستقل مانع ایجاد می کند، آنها نمی توانند هویت مستقلی در مورد خودشان به دست بیاورند و زندگیشان را بدون دریافت کمک- های دیگران اداره کنند، آنها نمی توانند برای خودشان اهداف مشخصی در نظر بگیرند و در مهارت های مورد نیاز تبحر پیدا کنند، لذا از نظر کارآیی و کفایت در دوران بزرگسالی،

1. Boudoukha, A. H., Przygodzki-Lionet, N., & Hautekeete, M.

بررسی رابطه بین روان سازه های ناسازگار اولیه با مشکلات زناشویی در زنان متأهل دارای فرزند

مثل یک کودک کم سن و سال عمل می کنند (تیم، ۲۰۱۰) و افرادی که روان سازه هایشان در حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازداری قرار دارد، احساس ها و تکانه های خودانگیخته را واپس زنی می کنند. آنها اغلب تلاش می کنند تا بتوانند طبق قواعد انعطاف ناپذیر و درونی شده خود عمل کنند؛ ولو به قیمت از دست دادن خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش خاطر، روابط صمیمی یا سلامتی شان باشد. دوران کودکی این افراد پر از خشونت، واپس زدگی و سختگیری بوده و خویشتن داری و فداکاری بیش از حد بر خودانگیختگی و لذت غلبه داشته است. آنها در دوران کودکی به تفریح و شادی کردن تشویق نشده اند و در عوض یاد گرفته اند که در خصوص حوادث منفی زندگی گوش به زنگ باشند و زندگی را طاقت فرسا در نظر بگیرند. این افراد معمولاً در احساس بدبینی، نگرانی و ترس بسر می برند، به طوری که معتقدند اگر نتوانند در تمام لحظات زندگی خود هشیار و مراقب باشند، ممکن است زندگی شان از هم بپاشد (کوس، ۲۰۰۹). چنین افرادی احساس رضایت از مصاحبت و همراهی با دیگران ندارند، از نوع و سطح روابطشان راضی نیستند و نمی توانند به شیوه سازگارانه و موثر با دیگران روابطه نزدیک برقرار کنند (گریف، ۲۰۰۰)، این ویژگی ها نشان دهنده ناسازگاری زناشویی است. بنابراین، روان سازه های حوزه خودمختاری و عملکرد مختل نیز با مشکلات زناشویی رابطه مثبت معنادار دارند. ماهیت همبستگی طرح پژوهش، جامعه آماری و مقطعی بودن پژوهش، محدودیت هایی را در زمینه تعمیم یافته ها، تفسیر ها و اسناد های علت شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می کند که باید در نظر گرفته شود. مشارکت آزمودنی ها که فقط از یک جنس بودند نیز از دیگر محدودیت های پژوهش حاضر است. همچنین، با توجه به کنترل نکردن متغیرهایی همچون وضعیت اجتماعی- اقتصادی تعمیم یافته های پژوهش باید با احتیاط صورت گیرد. پیشنهاد می شود که در پژوهش های آتی برای بررسی ثبات متغیرهای پژوهش در طی زمان، پژوهش های طولی صورت گیرد.

منابع

- آهی، ق، محمدی، م. ع. و بشارت، م. ع. (۱۳۸۶). پایایی و اعتبار فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ. *مجله روان شناسی و علوم تربیتی*، ۳، ۲۰-۵.
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۰). بررسی مقدماتی ویژگی های روانسنجی پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران، تهران.
- بشارت، م. ع.، کشاورز، س.، و لواسانی، م. غ. (۱۳۹۴). نقش واسطه ای خودشفقت ورزی و خودمهارگری در رابطه بین روان سازه های سازش نیافته اولیه و کیفیت زندگی. *روانشناسی تحولی*، ۱۱، ۴۴، ۳۴۱-۳۵۵.
- بشارت، م. ع.، هوشمند، ن.، رضازاده، م. ر.، و لواسانی، م. غ. (۱۳۹۴). پیش بینی رضایت زناشویی فرزندان بر اساس سبک های فرزندپروری. *رویش روان شناسی*، ۴(۱۲)، ۶۰-۵۱.
- سلیمی، ه.، نجارپوریان، س.، محمدی، ک.، و فیروزجائی، م. ع. (۱۳۹۵). پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس تصمیم گیری و حل مساله، انسجام خانواده، راهبردهای مقابله، مهارت های ارتباطی و باورهای مذهبی. *رویش روانشناسی*، ۱۴، ۹۳-۱۱۰.
- Boudoukha, A. H., Przygodzki-Lionet, N., & Hautekeete, M. (2016). Traumatic events and early maladaptive schemas (EMS): prison guard psychological vulnerability. *European Review of Applied Psychology*, 4(66), 181-187.
- Derrick, J. L., Houston, R., Quigley, B. M., Testa, M., Kubiak, A., Levitt, A., Homish, G. G., Leonard, E. (2016). (Dis)similarity in impulsivity and marital satisfaction: A comparison of volatility, compatibility, and incompatibility hypotheses. *Journal of Research in Personality*, 61, 35-49.
- Esmaili, S., Zade Mohammadi, A., & Hakimi, M. (2016). Predicting marital satisfaction on the basis of early maladaptive schema in married women, Tehran, Iran. *International Journal of Medical Research & Health Science*, 5, 6: 262-270.
- Hawke, L. D. & Provencher, M. D. (2012). Early Maladaptive Schemas among patients diagnosed with bipolar disorder. *Journal of Affective Disorders*, 136(3), 803-811.

بررسی رابطه بین روان سازه های ناسازگار اولیه با مشکلات زناشویی در زنان متأهل دارای فرزند

- Khajouei Nia, M., Ghiasi, M., Izadi, S., & Sarami Forooshani, G. R. (2015). Study early maladaptive schemas as predictors of marital dissatisfaction in india and iran-role of conditional schemas as a mediator and moderator. *Journal of App Environmental Biological Science*, 5, 590-597.
- McDaniel, B. T., Drouin, M., & Cravens, J. D. (2017). Do you have anything to hide? Infidelity-related behaviors on social media sites and marital satisfaction. *Computers in Human Behavior*, 66, 88-95.
- Navaei, J., & Mohammadi Arya, A. (2016). Association between the eraly maladaptive schemas and extra marital relationship among married people. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 4(3), 18-27.
- Pour Abbas, S. (2016). Investigating the relationship between the early maladaptive schema & marital satisfaction among 25 to 45 years-old couple. *International Journal of Humanities and Cultural Studies*, 665-676.
- Rafae,l D., & Young, J. (2011). Determinants of sexual desire problems in women: Testing a cognitive-emotional model. *Journal of Sex Marital Therapy*, 35, 360-377.
- Shakerian, A., Nazari, A. M., Masoomi, M., Ebrahimi, P., & Danai, S. (2014). Inspecting the relationship between sexual satisfaction and marital problems of divorce-asking women in sanandaj city family courts. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 114, 327-333.
- Thimm J. C. (2011). Incremental validity of maladaptive schemas over five-factor model facets in the prediction of personality disorder symptoms. *Personality and Individual Differences*, 50, 777-782.
- Wiseman, H., Mayseless, O., & Sharabany, R. (2006). Why are they lonely? Perceived quality of early relationships with parents, attachment, personality predispositions and loneliness in first-year university students. *Personality and Individual Differences*, 40(2), 237-248.
- Young M. E, Long L. L. (2006). *Counseling and Therapy for Couples*. Brooks/Cole Publishing Company; n.d.
- Zhang, D. H., & He, L. (2010). Personality traits and life satisfaction: a

chicness case study. *Social Behavior and Personality*, 1, 112-119.